

نگاهی نو به فهرست نویسی نسخ خطی
و
پیوند میان شیوه‌های سنتی و نو

حبیب‌الله عظیمی*

چکیده

نسخه‌های خطی اسلامی، گنجینه‌های میراث علمی و فرهنگی دانشمندان پیشین کشورهای اسلامی است. با توجه به گستردگی این گنجینه‌ها در مخازن کتابخانه‌های معتبر دنیا، موزه‌ها و کتابخانه‌های شخصی و منازل دانش‌دوستان در اقصی نقاط کشورها، ضرورت معرفی و تعیین هویت این کتابها در قالب فهرست‌های نسخ خطی معلوم می‌گردد. پس از تدوین و انتشار فهرست‌های نسخ خطی هر کتابخانه یا مؤسسه، محققان از طریق این فهرست‌ها کتاب مورد نظر خود را جستجو و پیدا می‌کنند و بدین وسیله پروژه تحقیق در حوزه نسخ خطی موضوعیت می‌یابد.

شیوه مدرن فهرست کردن کتابهای خطی برای کتب خطی قرون وسطی و رنسانس ظاهراً از نیمه اول سده ۲۰ شروع شده تا آنکه ویرایش مقدماتی قواعد فهرست نویسی توصیفی نسخ خطی در کتابخانه کنگره به سال ۱۹۵۴ م منتشر گردید. بعدها این شیوه با توجه به نقص‌های فراوان چندان مورد استقبال فهرست‌نویسان

Email: habibazimi@yahoo.com

*. استادیار و عضو هیئت علمی کتابخانه ملی ایران.

نسخ خطی کشورهای اسلامی قرار نگرفت. در کشورهای ترکیه، شبه‌قاره (هند و پاکستان)، مصر، کشورهای عربی و به ویژه در ایران، فهرست‌نویسان با یک شیوه ابداعی و در عین حال سنتی نسخ خطی را فهرست کرده‌اند. این فهرست‌ها عمدتاً در دو بخش کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی تدوین شده‌اند. ساختار کلی این فهرست‌ها تقریباً یکسان است، اما تفاوت‌های زیادی در محتوا و جزئیات آنها مشاهده می‌شود. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران - با دارا بودن ۲۰/۰۰۰ نسخه خطی مشتمل بر حدود ۴۰/۰۰۰ عنوان - از سال ۱۳۷۲/۱۹۹۳ م، شیوه جدیدی را برای فهرست‌نویسی نسخ خطی طراحی و اجرا کرد. تاکنون ۵۰۰۰ نسخه خطی موجود در این کتابخانه با شیوه جدید فهرست‌نویسی شده است و در عمل نشان داده که امتیازات زیادی دارد. این مقاله شیوه‌های مختلف سنتی فهرست‌نویسی نسخ خطی و شیوه جدید کتابخانه ملی ایران - که به نوعی استانداردسازی ملی و منطقه‌ای است - را مورد بررسی قرار می‌دهد.

کلید واژه: فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی، فهرست‌نویسی سنتی، فهرست‌نویسی نوین، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

تاریخچه

رویه مدرن برای فهرست کردن کتاب‌های خطی قرون وسطی و رنسانس ذاتاً شبیه فهرست کردن کتاب‌های چاپی است. ظاهراً شروع طراحی این رویه مدرن به سال ۱۹۳۹ م برمی‌گردد که انجمن تاریخی آمریکا در این سال کمیته خاص نسخ خطی را پایه‌گذاری کرد تا شروع به طراحی شیوه‌ای برای کنترل کتاب‌شناسی مواد تاریخی کند. به سال ۱۹۴۶ م، این کمیته مواد انتخابی خود برای فهرست نسخ خطی تاریخی را طراحی و شروع کرد. به سال ۱۹۵۱ م، کتابخانه کنگره آمریکا نیز مشغول به فعالیت شد تا یک فهرست واحد نسخه خطی را طراحی و آماده کند تا اینکه به سال ۱۹۵۴ م، ویرایش مقدماتی قواعد فهرست‌نویسی توصیفی نسخ خطی در کتابخانه کنگره منتشر گردید (۱۱:۱۱۹).

تدوین فهرست کتب از سده‌های ۴ و ۵ قمری در ایران و دیگر بلاد اسلامی مرسوم بوده و کتب اختصاصی در این باب از آن زمان به جای مانده است. از این قبیل است: فهرست موجودی برخی کتابخانه‌های شخصی مانند فهرست کتابخانه ۱۷۰،۰۰۰

نسخه‌ای صاحب بن عباد (۳۲۶-۳۸۵ ه.ق)، فهرست کتابخانه فنا خسرو بویه‌ی (۳۲۸-۳۷۲ ه.ق) در شیراز، فهرست الابانة فی اسماء کتاب الخزانة و سعد السعود از رضی الدین بن طاووس حلّی (۵۸۹-۶۶۴ ه.ق) و نیز فهرست‌های دیگری که بیشتر جنبهٔ رجال‌شناسی دارند، اگر چه در آنها به معرفّی آثار و تألیفات هم پرداخته شده است، همچون الفهرست ابن ندیم، منتجب الدین، شیخ طوسی و نجاشی (۹۶-۹۷). نخستین نمونه‌ها در زمینهٔ فهرست‌نویسی نسخ خطّی در ایران به سبک و سیاق امروزی را شیخ محمد خالصی، مرتضی قلی‌خان نایینی، حاج عمادالمحققین واعظ تهرانی مشهور به عماد فهرستی، میرزا علی اکبر شهیدی ثقة الاسلام و اوکتابی در ۱۳۰۵ ه.ق برای کتابهای خطّی و چاپی کتابخانهٔ آستان قدس رضوی تهیه کرده و به چاپ رساندند. این فهرست سیاهه‌گونه در ذیل مجلّد دوم مطلع الشمس منتشر شد و پس از آن، دو جلد دیگر به فهرست اولیه اضافه گردید که تمامی آنها دارای سبک و ویژه‌ای در معرفّی بخش‌های کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی است. قزوینی در کتاب بیست مقالة خود دربارهٔ این فهرست‌ها چنین می‌نویسد: «این اولین فهرست مفصّلی است که در ایران از یک کتابخانه با این بسط و اشباع و تحقیق چاپ شده است». (۱:۹). پس از مجلّدات مذکور، استادان و فضلاّی دیگری، فهرست‌های متعدد کتابخانه‌های ایران را تهیه و تنظیم کردند که مشهورترین آنان عبارتند از: میرزا یوسف خان معروف به اعتصام الملک، ضیاء الدین مشهور به ابن یوسف شیرازی، محمد تقی دانش پژوه، ایرج افشار، احمد منزوی، علی نقی منزوی، سید عبدالله انوار و ...

اصول و قواعد

با بررسی شاکلهٔ فهرست‌نویسی نسخ خطّی در فهرست‌های موجود و اصول و قواعد مورد اعتماد آن در میان فهرست‌نگاران، می‌توان گفت که فهرست‌نگاران نسخ خطّی در تهیهٔ فهرست‌های خود همواره به دو اصل مهم توجه داشته و فهرست‌های نسخ خطّی را بر مبنای همین دو اصل زیر تدوین کرده‌اند: (۴: ۱۵۹-۱۶۰)

۱. کتاب‌شناسی: نخستین اصل برای یک فهرست‌نگار، کتاب‌شناسی است و آن شامل جنبه‌های موضوعی و محتوایی کتاب است که جنبهٔ علمی دارد و اطلاعات آن ثابت، معین و غیرقابل تغییر در کتاب خطّی خاص است. همچون مطالبی دربارهٔ عنوان، پدیدآورندگان، موضوع، زبان، فهرست ابواب و فصول، آغاز و انجام کتاب و جز آن.

۲. نسخه‌شناسی: نسخه‌شناسی که مشتمل بر قسمت‌های ظاهری و فیزیکی نسخه است و جنبه تجربی و عملی دارد. اطلاعات متغیر نسبت به نسخه‌های متعدد از کتابی خاص است. همانند مطالبی درباره جلد، کاغذ، نوع خط، تعداد اوراق، تاریخ و محل تحریر و کاتب، حواشی و مقابله و تصحیح، یادداشتهای اوراق صدر و ذیل نسخه و مانند آن.

شیوه‌های فهرست‌نگاری نسخ خطی

به طور کلی دو نگرش متفاوت در شیوه فهرست‌نویسی نسخ خطی وجود داشته است:

۱. فهرست‌نویسی سنتی نسخ خطی: اگر چه شیوه‌ها و سبک‌هایی که تاکنون در فهرست‌نویسی کتب خطی کتابخانه‌ها متداول بوده، به ظاهر از وحدت و یکنواختی در اسلوب برخوردار نبوده‌اند، لکن به لحاظ وجوه مشترک فراوان در کلیات مربوط به کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی در فهرست‌های نسخ خطی، در واقع می‌توان گفت: در میان فهرست‌نگاران نسخ خطی، یک شیوه و اسلوب واحد - با وحدت در کلیات - وجود دارد و تفاوت فقط در سلیقه‌ها و شرایط آنان است. این شیوه کلی یکسان چنین است که نخست کتاب‌شناسی کامل و دقیق مشتمل بر نام کتاب، مؤلف، موضوع، زبان، فصول و ابواب و احیاناً شرح حال پدیدآورنده و مطالبی از این قبیل نگاشته شود، سپس نکات کامل نسخه‌شناسی یادداشت می‌گردد که مشتمل بر مشخصات آن نسخه خاص با شماره ثبت معین در کتابخانه مشخص است؛ همچون: نوع خط، تعداد و اندازه سطور، کاتب، تاریخ کتابت و محل آن، نوع جلد و کاغذ و تزئینات هر یک، آغاز و انجام نسخه، حواشی، یادداشتهای و جز آن (۱۶۱:۴). فهرست‌های کتب خطی معتبر ایران همچون ملی، آستان قدس، مرعشی، مجلس و برخی از فهرست‌های شبه قاره (هند و پاکستان) و کشورهای عربی بر همین سبک نگاشته و تدوین شده است.

۲. فهرست‌نویسی نوین نسخ خطی: این شیوه بر اساس استانداردهای کتابداری نوین است که طراحی آن از سال ۱۹۳۹ م، توسط کتابداران و آرشیویست‌های آمریکایی شروع شد و به سال ۱۹۵۴ م تکمیل و ارایه گردید. فهرست‌نویسی منابع مطابق با اصول استاندارد به توصیفی و تحلیلی تقسیم می‌شود که برای هر کدام قواعد و استانداردهایی تدوین شده و کلیات آن چنین است:

الف) فهرست‌نویسی توصیفی نسخ خطی: یکی از منابع معتبر در زمینه قواعد

فهرست‌نویسی توصیفی، ویرایش دوم کتاب قواعد فهرست‌نویسی انگلوامریکن است که فصل چهارم این کتاب به قواعد فهرست‌نویسی توصیفی نسخ خطی اختصاص دارد (۳۳:۷). نواحی توصیفی عبارتند از: ناحیه عنوان و شرح مسئولیت، ناحیه ویرایش، ناحیه تاریخ، ناحیه توصیف ظاهری نسخ خطی و ناحیه یادداشت.

ب) فهرست‌نویسی تحلیلی در فهرست‌های نسخ خطی: یکی از بخش‌های مهم در فهرست‌نویسی، فهرست تحلیلی است که از مهم‌ترین نقاط بازیابی منابع به شمار می‌رود. برای بازیابی و جست و جو از طریق موضوع منابع، دو روش وجود دارد: روش اول به وسیله کلمات موجود در عناوین و یادداشت‌هاست. روش دوم جست‌وجو با واژه‌های کنترل شده است که کلمات یا اصطلاحات خاص که به منزله عبارات موضوعی تعیین شده‌اند، به هر پیشینه اختصاص می‌یابند. این روش به سیاهه‌ای از عبارات وابسته است که در فهرست‌های کتابخانه‌ای این سیاهه «سرعنوانهای موضوعی» خوانده می‌شود. در فهرست‌های نسخ خطی مانند سایر منابع می‌توان از سرعنوانهای موضوعی برای فهرست تحلیلی استفاده کرد. یک نقطه به عنوان سرشناسه انتخاب و برای تعیین آن از قواعد و استانداردهای نگارش یافته استفاده می‌شود. در فهرست‌های نسخ خطی، سرشناسه از ملزومات است. مستندسازی نام‌ها نیز هر دو مقوله فهرست‌نویسی توصیفی و موضوعی را در برمی‌گیرد. نظام‌های مستند موضوعی تا حد بسیار زیادی از نظام کنترل مستند نام‌ها پیروی می‌کند. کتابخانه کنگره آمریکا فهرست نسخ خطی خود را با عنوان [NUCMC] به صورت چاپی و الکترونیکی با این شیوه، تدوین و منتشر کرده است.

اشکالات و نقاط ضعف در شیوه‌های فهرست‌نویسی

الف) فهرست‌نویسی سنتی: علی‌رغم آنکه همه یا بیشتر فهرست‌نگاران نسخ خطی در معرفی نسخه‌های خطی و درج اطلاعات آن در قالب فهرست‌ها به دو اصل کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی توجه داشته‌اند، اما با توجه به عدم دسترسی به اصول و قواعد ثابت و استاندارد مورد قبول همه، شیوه تدوین فهرست‌ها مختلف شده است. از معایب این اختلاف شیوه می‌توان موارد ذیل را نام برد:

۱. بازیابی عناوین مورد نظر در بیشتر فهرست‌ها، بدون آشنایی محقق با شیوه کار فهرست‌نگار در آن فهرست، به سادگی امکان‌پذیر نیست؛

۲. یک دست کردن اطلاعات فهرست‌ها و فراهم آوردن یک مجموعه یک‌دست حاوی تمامی اطلاعات مربوط به نسخ خطی دشوار و گاه غیرممکن می‌گردد؛
۳. آموزش فهرست‌نویسی نسخ خطی و تربیت نیروی انسانی مجرب و استفاده از فن‌آوری پیشرفته در جهت آموزش مشکل می‌شود.
- ب) فهرست‌نویسی نوین: اگر چه نسخه‌های خطی با کتابهای چاپی نقاط مشترکی را دارند، اما به لحاظ وجود تمایز زیاد بین نسخه‌های خطی و کتب چاپی، اصول و قواعدی که برای فهرست‌نویسی نسخ خطی ذکر شده و مبنای آن همان اصول و قواعد کتابهای چاپی بوده، چندان کامل نبوده و به هیچ وجه مورد استقبال فهرست‌نگاران نسخ خطی در ایران قرار نگرفته است. برخی اشکالات این اصول و قواعد چنین است:
۱. تمامی اطلاعات موجود در فهرست‌های نسخ خطی را در بر نمی‌گیرد؛
 ۲. بهای کمتری به کتاب‌شناسی و معرفی محتوا و فصول و ابواب کتاب داده شده است؛
 ۳. در بخش فهرست‌نویسی توصیفی، برخی از نواحی مورد نیاز در آن وجود ندارد؛
 ۴. بخش فهرست‌نویسی تحلیلی نیز برخی از نمونه‌ها مورد نیاز را در بر ندارد؛
 ۵. استفاده از سرعنوانهای موضوعی که برای کتب چاپی تهیه شده، برای فهرست تحلیلی نسخ خطی کافی نیست و در برخی از موضوعات باید تغییراتی مناسب اعمال گردد. (۴: ۱۶۵ - ۱۶۷)

معرفی یک الگوی جایگزین

در میان تلاش‌هایی که در جهت بازنگری در اصول و قواعد فهرست‌نویسی نسخ خطی و پایه‌گذاری اصول و قواعد یک‌دست و متحد و در عین حال قابل قبول برای فهرست‌نگاران نسخ خطی در کشور صورت گرفته، تلاش کتابخانه ملی (با داشتن بالغ بر ۱۸/۰۰۰ نسخه خطی) در دو دهه اخیر قابل طرح است. فهرست‌نگاران نسخ خطی کتابخانه ملی در جهت تهیه اصول یکنواخت و مدرن و ایجاد هماهنگی در سازماندهی منابع خطی، با لحاظ کردن شیوه فهرست‌نگاران نسخ خطی و نیز قواعد استاندارد فهرست‌نویسی و ادغام مناسب این دو با یکدیگر، کار برگه‌ای را به عنوان مبنا و اساس فهرست‌نویسی خطی طراحی کردند؛ و آن به عنوان کاربرگه‌ای استاندارد برای ورود اطلاعات نسخ خطی به نرم‌افزار رایانه‌ای تلقی شد و بر اساس آن جلد ۱۴ تا ۲۸

فهرست‌های نسخ خطی کتابخانه ملی تحقیق و هم اکنون تا جلد ۲۲ و بیش از ۵۰۰۰ نسخه خطی فهرست‌نویسی شده است (۳:۵). این مجلدات منتشر شده به اعتقاد برخی کارشناسان از لحاظ سبک و سیاق کار و روش استفاده کاربر و مستندسازی عناوین، مؤلفان، کاتبان و موضوعات، بهترین فهرست منتشر شده در جمهوری اسلامی در سالهای اخیر است. (۹:۳۰)

این برگه (ضمیمه شده) مشتمل بر دو بخش ذیل است (۴:۱۶۹ - ۷۱۲؛ ۳:۶):
الف) بخش اول در دو ناحیه:

۱. فهرست توصیفی مشتمل بر سرشناسه، عنوان و عنوان فرعی، تکرار نام نویسنده، وضعیت کتابت و صفحه شمار.
 ۲. ناحیه نسخه‌شناسی مشتمل بر عبارات آغاز و انجام نسخه، نوع کاغذ و رنگ آن، نوع خط و کیفیت آن، تزیینات متن، نوع جلد و تزیینات آن، حواشی اوراق نسخه، مهرها و تملک و...، فرسودگی، ناقص بودن صفحات و امتیاز نسخه.
- ب) بخش دوم نیز در دو ناحیه:

۱. معرفی کتاب مشتمل بر فصول و ابواب کتاب، تاریخ تألیف، زبان، چاپ و توضیحات ضروری دیگر.
۲. ناحیه فهرست تحلیلی مشتمل بر موضوع‌ها در مستند موضوعی، شناسه‌های افزوده و شماره نسخه.

در انتخاب این سبک سعی فراوان شد تا از طرفی شیوه کلی فهرست‌نویسی نسخ خطی که سالیان سال فهرست‌نگاران محترم نسخ خطی بر آن عادت کرده و مزایای ویژه‌ای را داشته حفظ شود و از طرفی مزایای فهرست‌نویسی کتب چاپی که شیوه‌ای استاندارد در سطح بین‌الملل بوده و کتابخانه ملی پیشاپیش همه مراکز و مؤسسات، ضمن پای‌بندی به این شیوه، معرف آن به دیگر کتابخانه‌ها و مراکز علمی و تحقیقی بوده، از آن مزایا بهره گرفته شود.

بنابراین چون تغییرات انجام شده در این شیوه فهرست‌نگاری در حد نسبتاً وسیعی با شیوه و سبک دیگر فهرست‌های نسخ خطی مختلف بوده، لازم است برخی از ویژگی‌های قرین شده با این شیوه ذکر گردد:

۱. سرشناسه به مؤلف اثر اختصاص داده شده و نام کتاب، عنوان اصلی پس از سرشناسه است.

۲. اسامی افراد پدیدآورنده یک اثر اعم از نویسنده متن، حاشیه‌نویس، شارح، مترجم و کاتب، مطابق با ضوابط فهرست مستند مشاهیر و دیگر منابع رجالی مستند گردیده و نام کامل آنان نیز تکرار شده است.
۳. بخشی از کتاب‌شناسی هر نسخه همان «سرشناسه» و «عنوان» است و بخش دیگر آن در «معرفی کتاب» و «آغاز و انجام نسخه» ذکر گردیده است.
۴. نسخه‌شناسی هر کتاب به صورت مجزا و تفکیک شده تحت عناوین ویژه هر یک بیان شده و امتیاز هر نسخه (در صورتی که امتیاز خاصی را دارا باشد) بدان اضافه شده است.
۵. موضوع‌ها از سرعنوان‌های موضوعی فارسی انتخاب و در برخی از موارد تغییراتی متناسب با نسخ خطی در آن داده شده. برای هر عنوان کتاب به تناسب محتوا می‌توان موضوعات متعدد را انتخاب نمود. در نسخه‌هایی که شرح یا حاشیه متن دیگر باشد، نام مستند نویسنده متن همراه با نام کتاب و وی یکی از موضوعات است.
۶. اسامی پدیدآورندگان هر اثر همچون نویسنده متن (در شروح و حواشی) و کاتب و دیگر اشخاصی که به نحوی در تألیف و تدوین آن کتاب نقش دارند، در شناسه‌های افزوده به صورت مستند ذکر گردیده است.
- در صورتی که اساتید محترم فهرست‌نگار، نقطه‌نظرات خود را در جهت تکمیل و یا احیاناً اصلاح این شیوه بیان نمایند، می‌توان با انتخاب یک شیوه واحد فهرست‌نویسی نسخ خطی در کشور، زمینه تحقق یک فرمت واحد برای کتابخانه دیجیتال نسخ خطی کشور را فراهم آورد.

منابع

- اتجاهات حدیثه فی الفهرسة، فتحی عبدالهادی، محمد و دیگران، قاهرة، مكتبة الدارالعربية للكتاب، ۱۴۱۷.
- «اصول و قواعد استاندارد فهرست‌نویسی نسخ خطی»، موسوی چلک، افشین، پیام بهارستان، سال اول، شماره ۷ (آبان ۱۳۸۰)، صص ۳۳ - ۳۵.
- «اعادة النظر فی قواعد فهرسة المخطوطات»، محاضرات مؤتمر المخطوطات العربية فی ایران، دمشق، المستشارية الثقافية للجمهورية الاسلامية الإيرانية بدمشق، ۱۴۲۳، صص ۱۵۷-۱۷۳.

حدیث عشق، دانش پژوه در قلمرو جستارهای نسخه‌های خطی، مطلبی کاشانی، نادر، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱.

«در باب فهرست‌نویسی»، میر محمد صادق، سعید، پیام بهارستان، سال اول، شماره ۷ (آبان ۱۳۸۰)، صص ۲۴ - ۲۷.

فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، اردلان جوان، علی، جلد اول، مشهد، کتابخانه مرکزی آستان قدس، چاپ دوم، ۱۳۶۵.

فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، عظیمی، حبیب‌الله، جلد شانزدهم، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹.

قواعد فهرست‌نویسی انگلوامریکن، انجمن کتابداران امریکا و دیگران، ترجمه رحمت‌الله فتاحی، ویراسته اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.

«مروری بر فهرس نسخ خطی (۱۳۷۸ - ۱۳۸۰)»، نوروز مرادی، کورش، پیام بهارستان، سال اول، شماره ۷ (آبان ۱۳۸۰)، صص ۲۸ - ۳۲.

مقدمه‌ای بر اصول و قواعد فهرست‌نگاری در کتب خطی، وفادار مرادی، محمد، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دبیرخانه سمینار نسخه‌های خطی، ۱۳۷۹.

"Manuscript Catalogs and Cataloging", Tweedale, Dellene. *Encyclopedia of library and Information Science*, Vol.17, PP.118-127



دوره جدید، سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷ (پیاپی ۴۲)

فهرست نویسی / نگاهی نو به فهرست نویسی نسخ خطی و ...

